



از ژنو ۴ تا آستانه ۴ حرکت در جاده سخت سوریه

🔴 **دورنما**

سیدرحیم نعمتی

به نظر نمی‌رسد که استفان دی‌میس‌تورا شانس زیادی برای سه ثمر رسیدن مأموریتش داشته باشد. بان کی مون، دبیر کل سابق سازمان ملل، در جولای ۲۰۱۴ این سیاستمدار سوئدی-ایتالیایی را با توجه به تجربه طولانی‌اش در مناطق بی‌ثباتی مثل افغانستان، عراق، لبنان، رواندا، سومالی، سودان و یوگسلاوی، نماینده سازمان ملل در جنگ سوریه کرد اما آنتونیو گوتیرش، دبیر کل جدید سازمان ملل، با تمدید مأموریت او برای سه ماه دیگر مخالفت کرده و باید جای خود را به کس دیگری سپارد. شاید به همین دلیل بود که او در مذاکرات اخیر در ژنو با ژنو ۴ هر دو طرف از نمایندگان دولت و مخالفان سوریه گفت: «شما خواهش می‌کنم با هم کار کنیم، می‌دانم که پایان دادن به این تنش وحشتناک و گذاشتن پای‌های کشوری که در صلح با خود باشد و اتحاد و استقلالش را حفظ کند، آسان نیست. از شما خواهش می‌کنم به این کابوس پایان دهید.» این خواهش بیشتر برای این است که با گرفتن نتیجه‌ای در ژنو ۴، دی‌میس‌تورا بتواند بگوید مأموریتش را در حدود دو ماه و نیم به جای رسانده و چند هم‌او و هم دیگران معتقدند که حرکت در جاده مذاکرات بسیار سخت‌است و ادامه مذاکرات در آستانه هم نمی‌تواند امید زیادی به بار آورد.

🔴 **سند مذاکره**

یکی از اقدام‌های مهم دی‌میس‌تورا در ژنو ۴ این بود که نقش میانجی‌گری بین دو طرف دولت و معارضان سوریه را ایفا کند، چراکه او حدود یک سال قبل هم این نقش را داشت که البته به نتیجه‌ای نرسید، هر چند میانجی‌گری او در این دور چند روزی بیشتر از قبل شده که همین هم قابل تأمل است. اقدام قابل توجه او در ژنو ۴ تنظیم و ارائه‌سنندی به دو طرف مذاکرات است تا پای‌های اصلی مذاکرات و کمیته‌های لازم بر اساس این پای‌ها

🔴 **رویکرد**

دکتر سیدرضا میرطبران

با تشدید تنش‌ها بین اتحادیه اروپا و دولت جدید امریکا

شواهد حاکی از آن است که باید منتظر چرخش قابل توجه مواضع اروپا در قبال امریکا باشیم، دو مقام بلندپایه اروپایی خواهان در پیش گرفتن سیاست جدیدی در قبال ایالات متحده در دوره زمامداری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جنجالی این کشور شدند. کریستین کرن صدراعظم اتریش اخیرا در دیدار با زیگمار گابریل معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه آلمان آغاز مرحله «همزیستی» با دولت جدید امریکا برای تضمین منافع اروپا را انتخاب شده و در عین حال بر همبستگی اروپایی و مقابله با گرایش‌های ملی‌گرایانه تأکید کردند. کرن در حالی خواستار آغاز همزیستی با دولت جدید امریکا شد که گابریل نیز تأکید کرد اروپا بیش از هر چیزی به سیاست مشترک خارجی، دفاعی و امنیتی نیاز دارد.

🔴 **تغییر ماهوی**

تأکید این دو مقام ارشد اروپایی بر آغاز مرحله همزیستی با امریکا با توجه به سهولات اخیر در روابط دو سوی آتلانتیک صورت گرفته است. زیگمار گابریل معاون صدر اعظم آلمان چندسی قبل دربراهه در پیش بودن «روزهای دشوار» با توجه به سه روی کار آمدن ترامپ هشدار داده بود. این هشدار با توجه به موضع گری‌ها و سپس نگرانی‌ها باعث شده است مقامات اروپایی البته با مخالفت اروپایی‌ها مواجه شده است چندان بیزراه نیست. همین نگرانی‌ها باعث شده است مقامات اروپایی خواهان اتخاذ موضعی واحد برای دفاع از منافع اروپا در برابر امریکا شوند، با توجه به مواضع غیر دوستانه دونالد ترامپ در پیش‌جمهور جدید امریکا که ضمن مخالفت با همکاری اروپایی صراحتا خواهان واگرایی در اتحادیه اروپا با پشتیبانی صریح از جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا(برگزیت) شده است، لذا صدراعظم اتریش و معاون صدراعظم آلمان در موضع‌گیری‌ای که آشکارا به معنای تقابل با دیدگاه ترامپ است، خواهان همبستگی اروپایی و نیز مقابله با گرایش‌های ملی‌گرایانه در قاره سبز

معلوم شود. او همان ابتدای کار در ژنو ۴ این سند را بین نمایندگان دو طرف مذاکره کنشده توزیع کرد که می‌گوید مبتنی بر روح قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل است. این سند شامل مراحل سه‌گانه‌ای برای دستیابی به حل جامع سیاسی است و این مراحل عبارت‌تند از:الف- تشکیل دولت، سازمان یا مجموعه سیاسی مورد امینتان همه طرف‌ها و جامع و غیر طایفه‌ای برای اداره امور کشور. ب- ترسیم جدول زمانی برای تهیه و تدوین قانون اساسی جدید. ج- برگزاری انتخابات آزاد و شفاف زیر نظر سازمان ملل متحد و بر اساسی قانون اساسی جدید. دی‌میس‌تورا سعی می‌کند با ارائه این سند به طرفین مذاکرات واخذ موافقت آنها از یکپه و تدوین اساسی برای روند مذاکرات ایجاد کند که دست‌کم مورد قبول دو طرف باشد و از سوی دیگر، نقشه راه مذاکرات بر مبنای این سند مشخص شود تا هر دور مذاکرات معلوم گردد که چه میزان پیشرفت به دست آمده است. در واقع، او از تجربه دور قبل از مذاکرات ژنو و ناکامی سلفش، اخضر الابراهیمی، دریافته است که بدون داشتن مبنایی برای مذاکره و ترسیم یک نقشه راه برای نشان دادن مسیر مذاکرات، جمع شدن در ژنو نتایج‌آوی سازمان ملل نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. با وجود این، دو مسئله اساسی از ابتدای بحران سوریه وجود داشته که دی‌میس‌تورا در سند خود توجهی به آنها نکرده و همین دو مسئله باعث شده‌اند تا سه دور قبل مذاکرات ژنو به نتیجه‌ای نرسد و در همین ژنو ۴ هم تأثیر گذار بوده‌اند.

🔴 **ترکیب مخالفان**

یک سؤال اساسی از ابتدای شروع بحران سوریه در ۲۰۱۱ و سوق یافتن آن به جنگ داخلی این بود که چه شخص یا اشخاصی و حزب یا احزابی رهبری مخالفان را به عهده دارد. این مسئله با وجود گذشت شش سال از بحران همچنان به قوت خود باقی است و حل نشده است چنانکه هیئت‌های مخالفان در سه دور مذاکرات

ریاض مشهور است و بیشتر عامل خواست‌های عربستان سعودی و ترکیه است اما به نام نمایندگان مخالفان در ژنو حضور یافته است. دی‌میس‌تورا تهدید کرده بود اگر سه جریان بر سر هیئت ترکیبی نهایی به توافق نرسند خود هیئت نهایی مخالفان را تعیین خواهد کرد اما در این یک هفته از ژنو ۴ نشان داده که ارادامی برای اجرای تهدیدش ندارد و مشکل همچنان به قوت خود باقی است.

🔴 **معضل تروریسم**

اگرچه اعتراضات خیابانی در عا در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ سیاسی بود اما چند ماه بعد و با ظهور گروه‌های مسلح، دیگر مسئله تنهاوجه سیاسی نبود، بلکه حضور گروه‌های تروریستی میان مخالفان کل صورت مسئله در بحران سوریه را تغییر داد. به عبارت دیگر، بحران سوریه به سرعت از وجه سیاسی به وجه تروریسم و مبارزه با آن تغییر هویت داد چنانکه این موضوع در ژنو ۴ هم نمودار شد. در حالی که دو روز از مذاکرات ژنو ۴ می‌گذشت، چندین حمله انتحاری در شهر حمص سوریه اتفاق افتاد که مقرهای امنیت و اطلاعات نظامی در دو منطقه مرکزی این شهر مورد حمله قرار گرفت و دست‌کم ۴۲ نفر از جمله دو مقام ارشد نظامی کشته شدند. بشار جعفری، رئیس هیئت دولت در ژنو ۴، به صورت رسمی خواستار محکوم کردن این حملات از سوی همه طرف‌های مذاکرات شد. در حالی که دی‌میس‌تورا با صدور بیانه‌ای حملات حمص را محکوم کرد اما هیئت‌های مخالفان در مذاکرات با فرافکنی سعی در طفره رفتن از محکوم‌ان حمله داشت. این طفره رفتن عمق مشکل تروریسم حتی در ژنو ۴ را نشان داد که با وجود محکومیت از سوی نماینده سازمان ملل، باز نمایندگان مخالفان حاضر به قبول این مشکل در سوریه و محکومیت آن نیستند. این خودداری هیئت مخالفان هر علتی که داشته باشد از وابستگی به همان گروه‌های تروریستی یا ترس از آن گروه‌ها، دست‌کم باعث می‌شود تا اصل مشکل در بحران سوریه روی میز قرار نگیرد تا دو طرف مذاکره به نقطه نظر تصمیم‌واحدی در برابر تروریست‌ها برسند. روشن است که بدون داشتن نقطه نظر و استراتژی واحد در برابر تروریست‌ها نمی‌توان هیئت‌ها ارتباط مستقیمی با گروه‌های مسلح در داخل سوریه نداشتند جدای از اینکه نمی‌توانستند به هیچ‌وجه ادعای نمایندگی از برخی طوایف سوری مثل کردها را داشته باشند. از این رو، اگر آن هیئت‌ها با میحتی در جریان مذاکرات موافقت هم می‌کردند باز اطمینانی به این نبود که موافقت آنها مورد تأیید گروه‌های مسلح باشد و از سوی تمام طوایف سوری هم تأیید شود. این مشکل جدای از وابستگی سیاسی آن هیئت‌ها به کشورهای منطقه به خصوص عربستان سعودی و قطر بود که مسئول اصلی جنگ و آتش‌افروزی در سوریه بودند. نشست‌های مقدماتی آستانه برای ژنو ۴ دست‌کم این حسن را داشت که نمایندگانی از سوی برخی گروه‌های مسلح مخالف هم در هیئت مخالفان حضور داشتند و این از تباط بین هیئت مذاکره‌کننده با آن گروه‌های مسلح در ژنو ۴ هم حفظ شد. حل مشکل ارتباط با بخشی از گروه‌های مسلح باز اطمینان‌بخش نبوده، بلکه مسئله جامعیت هیئت مخالفان بر سر جای خود باقی مانده است. در حال حاضر، سه هیئت به نام‌های شوروی عالی مذاکرات، معارضه مسککو و معارضه قاهره تحت پوشش نمایندگان مخالف دولت سوریه در ژنو حضور دارند. با وجود اینکه دی‌میس‌تورا از ابتدا خواسته بود ترکیبی مشترک از این سه طیف نمایندگی مخالفان را

این ترکیب سر باز زده و سعی کرده است در این چند روز از مذاکرات نمایندگی مخالفان را در انحصار خود حفظ کند. حالا روسیه به عنوان یکی از حامیان اصلی ژنو ۴ به تنوع در هیئت مخالفان اصرار دارد و جدای از طیف کردها، خواستار حضور نمایندگان از جریان‌های مخالف خارج از شورای عالی مذاکرات است که به هیئت علاوه بر این، قضمانی و همراهان او نگاه‌ی به عوامل خارج از مذاکرات و به خصوص نحوه تأثیرگذاری غریبه‌ها دارند تا با اتهام‌زنی به دولت سوریه، مسئله تروریسم در اولویت‌های مذاکرات قرار نگیرد. تلاش غریبه‌ها برای تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت در همین جهت بود که با وتوی روسیه و چین ناکام ماند و حالا با انتشار گزارشی در سازمان ملل سعی در اتهام‌زنی به دولت سوریه دارند. در این مورد تمام این تلاش‌ها از سوی هیئت ریاض و حامیان غریب-عربی‌اش، مسئله تروریسم انقدر جدی است که دی‌میس‌تورا هم نتوانسته آن را نادیده بگیرد و اگر او در گزارش روز هشتم مارس به شورای امنیت انگشت بر این موضوع بگذارد، یک گام قابل توجه به سوی مذاکرات آستانه در ۱۴ مارس برداشته و در غیر این صورت و عدم توجه به این مسئله، باید گفت که مسیر ژنو ۴ به آستانه ۴ بر آوی او و دیگر طرف‌های مذاکرات بسیار خواهد بود.

چرخش بی‌سابقه در روابط دو سوی آتلانتیک امریکا-اروپا: همزیستی به جای اتحاد

رئیس‌جمهور امریکا از یکدیگر در زمینه مسائل مختلف از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا(برگزیت) گرفته تا آینده ناتو و پیمان‌های تجارت آزاد اکنون این تقابل به مرحله عملی رسیده است که نمود آن را می‌توان مخالفت بی‌سابقه اتحادیه اروپا با «تد مولاک» سفیر پیشنهادی ترامپ برای اتحادیه اروپا دانست. «مولاک» که از طرفداران برگزیت بوده است، اظهار داشته بود که شاید اتحادیه اروپا نیاز به اختلاف نظر بین مواضع اروپا و امریکا درباره مسائل مختلف پیشتر خواهد شد، تا تأکید کرده بود دو طرف باید رابط‌های عمل‌گرایانه را دنبال و منافع مشترک را شناسایی کنند. در واقع اکنون شاهد آغاز دوره روابط دو جانبه اروپا و امریکا نه بر مبنای دیدگاه‌های مشترک و منافع حداکثری بلکه بر اساس دیدگاه‌های متفاوت و منافع حداقلی هستیم.
🔴 **اختلافات فزاینده**

شواهد زیادی درباره آغاز روند بی‌سابقه جدایی و اختلاف نظر فزاینده بین اتحادیه اروپا و امریکا وجود دارد. پس از انتقادات متقابل سران اتحادیه اروپا و دونالد ترامپ



نزدیک اتحادیه اروپا با امریکا دلالت دارد.

هولو کاست میانمار

مقابل دیدگان مدعیان دروغین حقوق بشر

🔴 **پرونده**

روح‌الله صالحی

امروزه وضعیت میانمار به صحنه سنجش انسانیت و حقوق بشر در جهان تبدیل شده است. مسلمانان بی‌دفاعی که قربانی خشونت و نژادپرستی بوداییانی شده‌اند که کمتر در گی از انسانیت دارند و این نسل‌کشی در مقابل دیدگان مدعیان دروغین حقوق بشر انجام می‌شود که هیچ اعتقادی به ارزش‌های انسانی و حقوق بشری ندارند. مدعیانی که هر وقت منافع استعماری و امپریالیستی شان اقتضا کند چشم خود را به روی جنایت بشری می‌پندند. هم‌زمان با کشتار مسلمانان به دست تکفیری‌ها در غرب آسیا، نوع دیگری از نسل‌کشی در شرق آسیا در حال رخ دادن است. با گذشت بیش از دو دهه از نسل‌کشی ناگوار و تلخ «رواندا» در سال ۱۹۹۴ و به رغم تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی اما همچنان شاهد هولوکاست انسانی در گوشه و کنار جهان هستیم و این بار مسلمانان میانمار تاوان چنین فاجعه انسانی را پرداخت می‌کنند، انسان‌هایی که تنها به جرم مسلمان بودن توسط بودائیان افراطی نژادپرست کشته می‌شوند چندسالی است که مسلمانان منطقه «وهینگیا» در میانمار قربانی نژادپرستی دولت بودائی این کشور شده‌اند و تاکنون هزاران نفر در این کشور جان خود را از دست داده و صدها هزار نفر نیز از ترس جانشان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. در تابستان سال ۲۰۱۲ دولت میانمار جنایات گسترده‌ای را علیه مسلمانان آغاز کرد و در آن خشونت‌ها ده‌ها هزار نفر در کشتارهای دسته‌جمعی به فبیع‌ترین شکل ممکن سوزانده و صدها هزار نفر نیز آواره شدند. دور جدید کشتار مسلمانان میانمار از اکتبر سال گذشته میلادی شروع شده و دولت نژادپرست این کشور جنایات خود علیه مسلمانان را تشدید کرده است. در گزارشی که کمیته حقوق بشر سازمان ملل در ماه ژانویه ۲۰۱۷ منتشر کرده است نزدیک به ۷۰ هزار نفر در این ماه از منطقه مسلمان وهینگیا به بنگلادش و سایر مناطق مرزی گریخته‌اند. کشتارهای دسته‌جمعی، آتش زدن مساجد و خانه‌های مسلمانان اقاماتی است که بودائیان برای پاکسازی قومی و نژادی در میانمار در پیش گرفته‌ند. مسلمانان وهینگیا که جمعیت آنها نزدیک به یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود؛ از حداقل حقوق انسانی محروم هستند و در شرایط بدی زندگی خود را می‌گذرانند. دولت میانمار مسلمانان وهینگیا را شهروندان خارجی قلمداد می‌کند اما مردمان این منطقه از صدها سال پیش در این کشور سکونت داشته‌اند. میانمار خشونت‌ها علیه مسلمانان را به بهانه مقابله با مظنونان تروریستی در مرزهای این کشور توجیه می‌کند اما مسلمانان وهینگیا به شیوه مسالمت‌آمیز در این کشور زندگی می‌کنند و تاکنون هیچ اقدام تروریستی سازمان یافته در این کشور به ثبت نرسیده است.

🔴 **سکوت غرب و سازمان ملل**

در شرایطی که تعرض به مسلمانان میانمار با شدت بیشتری ادامه دارد مدعیان دروغین حقوق بشر در غرب چشم خود را بر این فجایع انسانی بسته‌اند. کشورهای غربی با گذشت بیش از ۷۰ سال از جنگ جهانی دوم هر ساله برای قربانیان ادعایی «هولوکاست» مراسم یادبود برگزار می‌کنند و حتی با افرادی که این حادثه تاریخی را زیر سؤال می‌برند به شدت برخورد می‌کنند، اما در مقابل نسل‌کشی میانمار سکوت اختیار کرده‌اند. امریکا که مدعی سرمداری حقوق بشر در جهان است رویکرد دوگانه‌ای در مقابل نقض حقوق بشر در سایر کشورها دارد. مقامات امریکایی که از نقض حقوق بشر در کشورهای غیر همسواخود انتقاد می‌کنند و پایه کارگیری ابزارهای مختلف سعی در اتهام‌زنی به دولت‌های نسل‌کشی میانمار کر و کور شده‌اند. شاید اگر قطعنامه الزام‌آوری علیه میانمار در شورای امنیت سازمان ملل تصویب می‌شد، دولت این کشور سیاست‌های ضدانسانی خود را کنار می‌گذاشت ولی سازمان ملل حتی واکنش خشک و خالی نیز در محکوم کردن نسل‌کشی وهینگیا انجام نداده است و همین رویکرد‌های دوگانه موجودیت سازمان ملل که ادعای برابری صلح و ثبات در جهان را دارد، در زیر سؤال برده است. غربی‌ها با الهام از نظریه «خورد تمدن‌ها» از این موضوع به نفع غیرمسلمانان در مقابل مسلمانان استفاده می‌کنند و وضعیت فعلی جوامع اسلامی که با سیاست‌های تفرقه‌انگیزه غرب در جنگ‌های فرقه‌ای داخلی غوطه‌ور شده‌اند به خوبی گویای این حقیقت است. سیاست‌های دوگانه در برابر جنایات بشری در جهان نشان می‌دهد که تیغ حقوق بشری تنها برای مخالفان غرب تیز است و متحدان از گزند چنین انتقادی در امان هستند. مقامات واشنگتن زمانی که جنگنده‌های روسی، تروریست‌های چینی و خونخوار در سوریه را تار و مار می‌کنند، خون رنگ حقوق بشری شان به جوش می‌آید و اینگونه القامی‌کنند که جنایت علیه بشریت



صورت گرفته است و حتی موضوع را از مجرای سازمان ملل پیگیری می‌کنند تا نشان دهند که حقوق بشر برای غرب از هر چیزی مهم‌تر است، اما در مقابل مسلمانانی که هیچ تهدیدی برای دولت میانمار و بوداییان این کشور نیسنند، واکنشی نشان نمی‌دهند. امریکانه تنها واکنشی نسبت به این نسل‌کشی انجلم نداده، بلکه در اقدامی سخفانه اخیر اعلام کرده است تحریم‌های میانمار را لغو می‌کند. با در نظر گرفتن سیاست‌ها و مواضع غرب در مقابل میانمار می‌توان اینگونه بیان کرد که امریکا در پشت پرده از این اقدامات ضد انسانی حمایت می‌کند. زیرا برای واشنگتن تسلط بر منابع طبیعی میانمار بیش از هر چیز دیگری اولویت دار د، چراکه با حضور گسترده در این کشور شرق آسیایی علاوه بر اینکه انرژی موردنیاز خود را رفع می‌کند، همچنین می‌تواند، رقیب قدرتمند خود یعنی چین را از نزدیک مهار و کنترل کند.

🔴 **بی‌تفاوتی سوچی**

خشونت علیه مسلمانان میانمار در شرایطی رخ می‌دهد که آنگ سان سوچی، رهبر حزب «انجمن ملی برای دموکراسی» میانمار که به خاطر مبارزات خود در راه تحقق صلح در این کشور جایزه صلح نوبل را در کارنامه خود دارد در مقابل نسل‌کشی وهینگیا سکوت کرده است. زمانی که حزب سوچی در نوامبر ۲۰۱۵ اکثر کرسی‌های پارلمان را به دست آورد و پس از آن دولت تشکیل داد بسیاری بر این باور بودند که با قدرت گرفتن این بانوی صلح در میانمار سیاست‌های ضداسلامی نیز از این کشور رخت بر خواهد بست اما با روی کار آمدن سوچی به تنها تغییر در سیاست‌های دولت میانمار ایجاد نشد، بلکه کشتار مسلمانان با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. سوچی صلح‌طلب می‌توانست با استفاده از قدرتی که در اختیار داشت تا حدی از آلم مسلمانان وهینگیا بکاهد اما در عمل چنین اتفاقی رخ‌داد و به عبارتی جایزه صلح نوبل این بانوی پیر که مشقت‌های زیادی را برای رسیدن به این عنوان متحمل شد، به خاطر سکوت و انفعال در مقابل کشتار مسلمانان زیر سؤال رفت. به نظر می‌رسد، سوچی با در و رنج مسلمانان بی‌دفاع وهینگیا بیگانه است و حتی از به کار بردن واژه وهینگیا متنوع می‌کند، زیرا آن را مشروعبیت بخشی به مردمان این منطقه می‌داند. به باور ناظران، این برنده جایزه صلح نوبل، که به مدد تبلیغات گسترده غربی‌ها تبدیل به «سطوره صلح و دموکراسی» در شرق دور شده است، مرتب از شأن و ارزش هر شخص انسانی سخن می‌گوید اما در مقابل خشونت‌های قومی کشور خودش بی‌تفاوت است.

🔴 **سکوت جهان اسلام**

ماجرای نسل‌کشی وهینگیا زمانی غم‌انگیز می‌شود که جوامع اسلامی نیز در قبال خشونت و بربریت بودائیان سکوت کرده و واکنش درخوری نسبت به آن نشان نداده‌اند و سازمان همکاری اسلامی که اساسی‌ترین رکن بین‌المللی در جهان اسلام به‌شود، تقریباً هیچ‌گونه واکنشی در حمایت‌های قابل توجهی از کشتار کرده است و با وجود چنین بی‌تفاوتی‌ها، دولت میانمار بدون هیچ‌واهمی‌ای به حملات علیه مسلمانان ادامه می‌دهد. مسلمانان میانمار چشم‌امیدشان به حمایت همه‌جانبه مسلمانان است تا شاید بخشی از دردهای آنان را التیام بخشد اما برخی کشورهای مرتجع عربی چنان در ایجاد جنگ‌های فرقه‌ای در عراق و سوریه غرق شده و به برادر کشی روی آورده‌اند که از نسل‌کشی میانمار غافل مانده‌اند و هیچگونه توجهی به کشتار و آوارگی هزاران مسلمان میانماری ندارند ده‌ها کشور اسلامی با بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان می‌توانند با اتحاد و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی، دولت نژادپرست میانمار را به عقب نشینی از سیاست‌های ضدانسانی خود وادار کنند اما انفعال و سکوت جهان اسلام سبب شده تا همچنان شاهد کشتار بیشتر مسلمانان در این کشور باشیم. در پایان خاطر نشان می‌شود، تقریباً هیچ‌گونه واکنشی در حال رخ دادن است بزرگ‌ترین نسل‌کشی قرن ۲۱ را رقم زده است که اجماع جهانی برای جلوگیری از ادامه چنین جنایاتی را می‌طلبد. از امریکا و متحدان غربی‌اش که تمام هم و غمشان نقض حقوق بشر در سوریه به آن هم توسط دولت سوریه و نه تروریست‌هاست، انتظار نمی‌رود در مقابل حمام خونی که بودائیان علیه مسلمانان میانمار به راه انداخته‌اند دل بسوزانند اما جوامع اسلامی باید وضعیت بفرغ نسل‌کشی میانمار را در کمر کرده و با کنار گذاشتن اختلافات و با اتحاد اسلامی برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی در جهان اسلام تلاش کنند.

^[1] در حالی که دی‌میس‌تورا سعی می‌کند با ارائه این سند به طرفین مذاکرات واخذ موافقت آنها از یکپه و تدوین اساسی برای روند مذاکرات ایجاد کند که دست‌کم مورد قبول دو طرف باشد و از سوی دیگر، نقشه راه مذاکرات بر مبنای این سند مشخص شود تا هر دور مذاکرات معلوم گردد که چه میزان پیشرفت به دست آمده است